

## روز اول ماه مه روز همبستگی جهانی با کارگران و زحمتکشان گرامی باد.

"این استقلال و عزت سیاسی بیشترین جذابیت را برای ملت ها دارد و بخش مهمی از احساس احترام ملت ها نسبت به انقلاب اسلامی به همین مسئله مهم باز می گردد." (نقل از سایت علی خامنه ای در نماز جمعه تهران، 1389/11/15)

آن چه خامنه ای "استقلال و عزت سیاسی" می نامد با در نظر گرفتن وابستگی عمیق اقتصادی و صنعتی کشور ما به انحصارات امپریالیستی به منزله فقدان استقلال اقتصادی و مآلا استقلال سیاسی است. زیرا کشوری که هم از لحاظ صدور یگانه ماده خام خود، مثل نفت و هم از لحاظ خرید مواد اولیه و ماشین آلات وابسته به بازار جهانی امپریالیستی باشد نمی تواند در عرصه بین المللی سیاست مستقل اتخاذ کند. چنین است گوشه ای از وابستگی کشور ما به انحصارهای فراملیتی.

برای این که جوانب مقوله "استقلال ملی" را بهتر درک کنیم بخشی از مقاله استقلال ملی را در این جا ذکر می کنیم:

### مفهوم استقلال ملی

خلقی که بتواند احترام به تمامیت ارضی و حق حاکمیت خود را تمام و کمال در محدوده کشور خویش تامین کند، بتواند در سیاست خارجی و در سیاست داخلی کشور خویش راساً و فارغ از هرگونه تحمیل اراده و فشار و نفوذ غرض آلود خارجی تصمیم بگیرد، بتواند مصون از رخنه غارتگرانه خارجی امکانات خود را به دلخواه خود، در جهت پیشرفت و تکامل به کار گیرد، بتواند مناسبات با دیگر کشورهای جهان را بر مبنای برابری حقوق و سود متقابلاً عادلانه، بر مبنای مصالح و در جهت رشد و ترقی همه جانبه مادی و معنوی کشور خویش برقرار کند، استقلال ملی خود را تامین کرده است.

استقلال ملی شامل استقلال سیاسی، استقلال اقتصادی، استقلال فرهنگی، استقلال نظامی و استقلال در همه عرصه های زندگی است. استقلال، یعنی عدم وابستگی و وابستگی چنان مناسباتی است که امکان تصمیم گیری مستقل را در جهت تکامل و تعالی از کشوری توسط کشور یا کشورهای خارجی سلب کند.

### استقلال سیاسی - اهرمی برای کسب استقلال همه جانبه

در کشور ما، پس از پیروزی انقلاب بهمن 57 که با قیام یکپارچه خلق زحمتکش انجام گرفت، توانست استقلال سیاسی خود را بدست آورد. این دستاورد بسیار بزرگ و بزرگترین دستاورد انقلاب می توانست به اهرم نیرومندی برای کسب استقلال در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره که هنوز میهن ما پس از چندین دهه از چنبره وابستگی به سیستم جهانی امپریالیسم رهایی نیافته بود باشد.



نشریه شماره 5 ، 25 فروردین ماه 1390

### برنامه حزب را بیاموزیم

### استقلال ملی یعنی چه؟

ما در اینجا بخشی از مقاله "استقلال ملی" که در روزنامه مردم، شماره 522 مورخ 6 خردادماه 1360، انتشار یافته است را ارائه می داریم تا خوانندگان به جوانب مقوله "استقلال ملی" آشنا شوند.

بررسی این موضوع از این نظر ضروری است که برخی ادعا می کنند که رژیم جمهوری اسلامی "در تصمیم گیری های سیاسی مستقل است". آنها با معانی مقولاتی از قبیل "استقلال ملی" و "رهایی ملی" آشنایی ندارند و درک نکرده اند که "استقلال ملی" بدون استقلال اقتصادی معنا و مفهومی ندارد و وابستگی اقتصادی نمی تواند به وابستگی سیاسی (بهر طریقی) منجر نگردد. مثلاً سیدعلی خامنه ای ولی فقیه رژیم با تصویری واهی و مغرضانه ادعا می کند رژیم جمهوری اسلامی مستقل است. اما فراموش می کند رژیم با انعقاد قراردادهای خانمانه میدان های بزرگ نفت و گاز کشور ما را در اختیار انحصارات و دولتی های امپریالیستی قرار می دهد و این شرکت های غارتگر نفتی را از پرداخت هرگونه عوارض گمرکی و مالیات معاف می کند و چنان حقوق و امتیازی برای غارتگران خارجی قائل می شود که به طور آشکار با حق حاکمیت ملی ایران مغایرت داشت. این قراردادهای خانمانه وقتی منعقد می شد و منابع گاز و نفت کشور ما در اختیار انحصارات و دولت های امپریالیستی قرار می گرفت که مردم ایران از هرگونه آزادی محروم بوده اند تا با این نوع رذالت های خیانت کارانه تن در دهند.

در شرایطی که کشور ما از لحاظ اقتصادی و صنعتی عمیقاً وابسته به انحصارات و دولت های امپریالیستی است، طبعاً نمی تواند از لحاظ سیاسی استقلال داشته باشد. حال در این زمینه خامنه ای می گوید:

ایجاد جبهه ضد دیکتاتوری شرط اساسی برانداختن رژیم استبدادی "ولایت فقیه" است.

غیره نفوذ می کنند و سپس به کمک این نفوذ، قدرت سیاسی را به دست می آورند.

در میهن ما به دلیل خیانت خمینی و دیگر سران رژیم، به اهداف انقلاب بهمن 57، این انقلاب در مرحله سیاسی آن متوقف شد و رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" با سمتگیری اجتماعی و اقتصادی به سود کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان، و ادامه مناسبات وابستگی به سیستم جهانی امپریالیسم، پای در جای پای رژیم وابسته شاه گزارد. علیرغم دعاوی پر لاف و گزاف ولی فقیه رژیم، مبنی بر داشتن استقلال سیاسی، ساختار به شدت معیوب و عقب مانده اقتصادی رژیم که با هزاران پیوند مرئی و نامرئی به ارايه امپریالیسم جهانی بسته شده است، گواهی است برا این مدعا.

### دیروز چرنوبیل، امروز فوکوشیما، فردا؟

25 سال پیش در آوریل 1386 در اثر سانحه ای در نیروگاه اتمی چرنوبیل واقع در اوکراین انفجار اتمی رخ داد که امروز حقایق این فاجعه عظیم پس از سالها بر اثر زلزله مهیب ژاپن در جمعه 11 مارچ 2011 به مقیاس 9 درجه ریشتر و انفجار نیروگاه اتمی فوکوشیما در ژاپن، زیر فشار افکار عمومی مردم جهان بیان می شود. در اثر انفجار نیروگاه چرنوبیل، 70 تن مواد سوخت اتمی نیروگاه در فضا پخش شد و قشری از ماده اتمی به ضخامت 12 سانتی متر بر روی سطح زمین بوجود آورد که ادامه حیات را در آنجا ناممکن ساخت و منطقه ای را به وسعت 300 هزار هکتار اراضی مجاور نیروگاه به منطقه ای متروکه و غیرقابل مسکونی و منطقه مرگ آور تبدیل کرد.

17 روز پس از وقوع انفجار، حزب کمونیست و دولت اتحادشوری برای جلوگیری از پخش تشعشعات اتمی و ماده موجود از انفجار در این نیروگاه که در صورت گسترش می توانست بخش بزرگی از اروپا را غیرقابل مسکونی سازد، اقدامات و تصمیمات مقتضی اتخاذ کرد. بیش از 500 هزار نفر از ارتش سابق اتحاد شوروی برای مهار و جلوگیری از پخش اشعه اتمی و بستن و مسدود کردن کوره تخریب شده به محل حادثه اعزام شدند.

600 خلبان که برای عملیات جلوگیری از پخش تشعشعات اتمی و پوشاندن کوره های تخریب شده به محل اعزام شده بودند در این حادثه جان خود را از دست دادند. 20 هزار نفر از افسران و سربازان اتحاد شوروی در این عملیات ایثارگرانه جان باختند. معلولین این فاجعه که تعدادشان به 200 هزار نفر می رسد کماکان از تبعات این فاجعه رنج می برند. بیش از 100 هزار نفر از مردم منطقه در این حادثه جان خود را از دست دادند. با اقدام انسان دوستانه و با فداکاری و جان فشانی ارتش سابق شوروی گسترش هلاکت بار این فاجعه مهار شد و برای جلوگیری از پخش اشعه اتمی با پوشاندن و مسدود کردن نیروگاه که با فرو ریختن صدها تن مواد روی (Zn) از طریق هلی کوپتر بر روی کوره تخریب شده صورت گرفت، توانستند از گسترش و پخش تشعشعات اتمی که در صورت گسترش می توانست زندگی را در بخش بزرگی از اروپا غیرممکن سازد، جلوگیری به عمل آورند.

در حال حاضر بیش از 8 میلیون نفر از ساکنان اطراف چرنوبیل بر اثر تشعشعات رادیواکتیو در معرض خطر بیماری های گوناگون قرار

پس از پیروزی انقلاب در میهن ما این امکان واقعی که در برابر مردم کشور ما قرار گرفت تا با در دست داشتن این اهرم نیرومند استقلال سیاسی، با گام های استوار، با اتخاذ سیاستی درست، طبق برنامه دقیق و مدون در راه قطع وابستگی در همه عرصه های زندگی پیش رویم و به استقلال تام و تمام، استقلال در همه عرصه ها، به استقلال ملی دست یابیم.

در این جا نکته مهمی را باید خاطر نشان کرد:

همان طور که استقلال سیاسی اهرم و پایگاهی است برای کسب استقلال در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره، کسب استقلال در این عرصه ها نیز باعث استحکام و خلل ناپذیری استقلال سیاسی است. استقلال سیاسی، در عین بقاء وابستگی در عرصه های اقتصادی، فرهنگی و نظامی و غیره دوام پذیر نیست.

به نسبتی که عدم وابستگی در این عرصه ها تامین شود، به همان نسبت استقلال سیاسی مستحکم تر، استوارتر و آسیب ناپذیر تر خواهد شد. و برعکس، به همان نسبتی که وابستگی در عرصه های نامبرده ژرف تر باشد، به همان نسبت استقلال سیاسی در معرض خطر قرار خواهد داشت. چرا؟ برای این که وابستگی در عرصه های اقتصادی، نظامی، فرهنگی و غیره آفریننده نیروی اجتماعی و سیاسی ضد استقلال و هوادار بقاء و گسترش وابستگی است. مثلاً در عرصه اقتصادی، صاحبان موسسات تولیدی وابسته، صاحبان صنایع مونتاژ، همه سرمایه دارانی که سرمایه های آن ها با سرمایه های انحصارات امپریالیستی "مخلوط" است و یا سرمایه های آن ها در پیوند با سرمایه های انحصارات امپریالیستی "کار" می کند، خواستار نفوذ و حتی سلطه سیاسی امپریالیسم در کشور خویشند. چون که با چنین نفوذ و سلطه ای دوام غارتگری آن ها، که بخشی از غارتگری انحصارات امپریالیستی است، تامین می شود.

اگر کشوری استقلال سیاسی خود را از دست دهد، قهراً به دنبال آن استقلال خود را در دیگر عرصه های زندگی از دست خواهد داد. و برعکس، اگر در کشوری عرصه های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و غیره در معرض رخنه و نفوذ و وابستگی قرار گیرند، این کشور طبعاً استقلال سیاسی خود را از دست خواهد داد. به همین دلیل امپریالیسم، برای استقرار سلطه خود، برای وابسته ساختن دیگر کشورها و غارت آن ها، یا ابتدا قدرت سیاسی را در این کشورها، از جمله به وسیله کودتا به دست می آورد و سپس به وسیله قدرت سیاسی، همه شئون این کشور را وابسته به خود می کند و کشور را به میدان چپاول خود بدل می سازد. و یا ابتدا در اقتصاد، در فرهنگ، در نیروهای مسلح و در دیگر شئون زندگی آن کشور رخنه می کند و سپس به سوی حاکمیت سیاسی می خزد و آن را به چنگ می آورد. فرق سیستم استعمار کهن با استعمار نوین، به طور عمده، این است که در سیستم کهن استعماری، ابتدا قدرت حاکمه سیاسی از سوی دولت های امپریالیستی به قهر تصرف می شود و سپس همه عرصه های اقتصادی، اجتماعی کشور مستعمره، زیر سلطه غارتگرانه و مخرب دولت استعمارگر قرار می گرفت. ولی در سیستم استعمار نوین، معمولاً ابتدا انحصارها و دولت های امپریالیستی در عرصه های اقتصادی، فرهنگی، نظامی و

برای تامین سوخت نیروگاه های حرارتی و تولید انرژی برق ارزان در قیاس با سوخت اتمی می باشد، اقدام ضد ملی احداث دو نیروگاه اتمی در زمان شاه توسط کمپانی های انحصاری فرانسوی و آلمانی بطور دیمی و بدون در نظر گرفتن موقعیت اقلیمی و عدم ضرورت آن برای کشور ما در نظر گرفته شد. هدف از ایجاد نیروگاه های هسته ای که در واقع تعمیق وابستگی فنی و تکنولوژی به کشورهای امپریالیستی بود. موضوع غیرضروری احداث این نوع نیروگاه ها را در کشور ما، حزب توده ایران جهت آگاهی ملت ایران مطرح کرد.

همان طور که در طرح و پیشنهادی حزب توده ایران پس از پیروزی انقلاب بهمن 57 برای حل مسایل میرم اقتصادی و نوسازی جامعه ایران، در زمینه برنامه صنعتی کردن کشور و ایجاد صنایع برق گفته شد نیروگاه های اتمی در کشور ما، باید تعطیل شوند. رئوس اصول کلی سیاست صنعتی حزب ما چنین است. توجه خوانندگان را به این گفته جلب می کنیم:

"برق رسانی یا الکتریکی کردن، یکی از مسایل عمده در شرایط کنونی بشمار می رود. در زمینه افزایش تولید انرژی برق، برنامه دراز مدت باید با استفاده از منابع داخلی، بویژه گاز، ساختمان نیروگاه های حرارتی را تسریع و برنامه ضد ملی احداث نیروگاه های اتمی را که جز وابستگی عمیق به جهان امپریالیستی نتیجه ای نخواهد داشت ملغی سازد. (روزنامه مردم، شماره 133، شنبه 12 دی 1358)

ولی در میهن ما ایران، تلاش دست اندرکاران امور اتمی رژیم و محافل حاکمه ارتجاعی در جهت به کار انداختن نیروگاه اتمی بوشهر که خوشبختانه تا لحظه کنونی به دلایل گوناگون آغاز به کار آن شروع نشده نگرانی نیروهای ملی و مترقی را موجب شده است و قرار گرفتن کشور ما روی خط گسل زلزله بیش از پیش به این نگرانی می افزاید. البته همان طور که ما یعنی حزب توده ایران بارها متذکر شده ایم، تلاش هیئت حاکمه ارتجاعی در رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" در زمینه ادامه غنی سازی اورانیوم نه برای استفاده مسالمت آمیز از انرژی اتمی، بلکه برای دستیابی به سلاح مخرب اتمی است که این تلاش در حال حاضر علی رغم تلاش مجامع صلاحیت دار بین المللی برای توقف فعالیت های اتمی رژیم، غنی سازی اورانیوم بی وقفه ادامه دارد.

با توجه به شواهد موجود بویژه خطرات مهلك ناشی از مواد مازاد سوخت نیروگاه های هسته ای، می توان مضرات و عواقب ناگوار ناشی از آنها را دریابیم. سانحه فوکوشیما ژاپن یک بار برای همیشه این نکته را به اثبات رساند که احداث نیروگاه های هسته ای به منظور استفاده صلح آمیز از انرژی اتمی، به دلیل غیر قابل مسلط بودن بر آن، به نقطه پایانی خود نزدیک می شود.

احداث نیروگاه های اتمی را می بایست در کنار تیر مفرغی به گفته مارکس به موزه تاریخ سپرد.

ر. سپهر

دارند. طی سال های اخیر 300 هزار کودک متولد شده در این مناطق دارای نقص عضو می باشند.

تلاش محافل سرمایه داری انحصاری در کشورهای امپریالیستی طی سالها پس از فاجعه چرنوبیل بر این شیوه بود تا این فاجعه را نقصی اتفاقی و ناشی از تکنیک عقب مانده شوروی و امری استثنایی جلوه دهند.

حادثه فوکوشیما ژاپن نشان داد که چرنوبیل نه یک استثناء، بلکه قاعده است که ربطی به کهنه بودن یا نو بودن تکنیک نیروگاه ندارد.

با اطلاعاتی که در مورد انفجار نیروگاه برق هسته ای فوکوشیما منتشر شد معلوم گردید که موضوع ادامه فعالیت نیروگاه به علت نقص موجود در آن برای رسیدگی به دادگاه محول شده بود. با این همه اخبار منتشره درباره انفجار حاکی است که با از کار افتادن برق نیروگاه در اثر سانحه زلزله سونامی و به دنبال آن از کار افتادن پمپ های برق آب که می بایست جریان آب داخل کوره را به حرکت درآورد تا آب داخل کوره اتمی بطور دائم خنک شود، بر اثر عدم جریان آب، زنجیره ای از فعل و انفعالات شیمیایی ایجاد می کند که به ذوب شدن مواد سوخت و میله های اتمی کار گذاشته شده در داخل کوره اتمی و بالا رفتن دمای حرارت به میزان 2 هزار درجه فارنهایت و در نتیجه به انفجار کوره و پخش شدن دهها تن مواد اتمی و ترکیبات گازی ناشی از انفجار در فضا منجر می شود.

به این ترتیب نیروگاه هسته ای فوکوشیما فاجعه ای پدید می آورد که بمراتب از شدیدترین سوانح طبیعی زلزله دریایی سونامی ویرانگرتر است.

درباره ماهیت فاجعه آمیز نیروگاه های هسته ای در این نوع تولید انرژی برق که انسان بر آن مسلط نیست، فاجعه اخیر در ژاپن نشان داد که تکنولوژی را که نمی توان بر آن تسلط داشت می بایست برای همیشه از چرخه تولید خارج کرد و استفاده از انرژی های جایگزین، نظیر باد و خورشید و آب می تواند گزینه مناسبی در این زمینه باشد.

بعد از فاجعه چرنوبیل و بویژه پس از اتفاق اخیر در فوکوشیما ژاپن، شک و تردید مردم جهان در مورد وجود نیروگاه های هسته ای رو به افزایش گزارد. این پرسش که، آیا می توان به نیروگاه های هسته ای اطمینان کرد؟ در پی انفجار در نیروگاه هسته ای فوکوشیما مطرح گردیده است. انفجار ماده اتمی و گسترش اشعه اتمی به همگان نشان داد که در قبال حوادث غیر مترقبه برای نیروگاه های هسته ای هیچ تضمینی وجود ندارد.

چنین اتفاقی مردم بسیاری از کشورهای جهان منجمله مردم آلمان را شدیداً تحت تاثیر قرار داده است و اکثریت مردم آلمان در کشور خود خواهان برچیدن و تعطیلی نیروگاه های هسته ای می باشند.

ما در اینجا به خلاصه ای از عواقب مخرب ایجاد نیروگاه های هسته ای اشاره کردیم. در مورد احداث نیروگاه اتمی در کشور ما که به بحث کنونی مربوط می شود باید ذکر کنیم، در دوران رژیم وابسته شاه با وجود اینکه کشور ما دارای منابع انرژی بسیار بزرگی از نفت و گاز

خواه منحرف" حتی اجازه نمی دهد وحدت جریان اصول گرایی حفظ شود. این پرخاش انعکاسی است از منافع قشری از بورژوازی بزرگ که با قشر دیگر از به ثروت رسیدگان در مبارزه است و در چهره مشتکی اجامر و ارادل در ارگان های سرکوبگر رژیم در وزارت اطلاعات، سپاه و بسیج می باشند که با ترور و اختناق حاکم بر کشور ما و با تقلید و پیروی از اوامر مقتدای خود، ولی فقیه رژیم و روحانیون حاکم در جهت خدمت به سرمایه بزرگ تجاری نقش خائنانه و بسیار مخرب بعهدہ دارند و هر صدای اعتراض و هر ندای مخالف را با حربه زندان و شکنجه و طناب دار سرکوب می کنند.

با توجه به این ترور و اختناق حاکم بر کشور ما است که برنامه حزب توده ایران، ایجاد جبهه واحد ضد دیکتاتوری از همه نیروهای ملی و مترقی که شرط اصلی برانداختن رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" و استقرار حکومت ملی متکی به اراده مردم است را پیشنهاد می کند.

• "ما الان آلترناتیوی برای وضع موجود نداریم. همین را باید حفظ بکنیم با اصلاحات." (رفسنجانی مصاحبه با روزنامه جمهوری اسلامی، سایت آفتاب 1389/11/24)

هاشمی رفسنجانی زمانی از نبود آلترناتیو سخن می گوید که بحران عمیق اقتصادی و اجتماعی سراسر جامعه و در پیوند آن روبنای سیاسی قرون وسطایی رژیم را در بر گرفته و دوران تلاطم سیاسی درون رژیم آغاز گردیده و نیروهای اجتماعی درون جامعه، توده های وسیع میلیونی زحمتکش که در معرض مستقیم این تلاطمات قرار دارند بدون تردید در آینده ای نه چندان دور به عاملی تعیین کننده در جهت پایان دادن به رژیم قرون وسطایی "ولایت فقیه" بدل خواهند شد. آلترناتیو رژیم "ولایت فقیه" عبارت است از اتحاد وسیع ترین نیروهای ضد استبداد در یک جبهه وسیع ضد دیکتاتوری که شرط اصلی آن نیز وحدت عمل این نیروها بر سر مبرم ترین هدف کنونی جنبش یعنی برانداختن رژیم مذهبی "ولایت فقیه" و برداشتن این مانع اصلی از سر راه تکامل جامعه ایران است.

اح از ایران، کمک مالی - بیاد رفیق عزت الله زارع 250 هزار تومان

Mardom of the Tudeh party of Iran

No. 5, 14 April 2011

آدرس سایت: [www.rahehezb.blogspot.com](http://www.rahehezb.blogspot.com)

آدرس پست الکترونیکی: [rahehezb@gmail.com](mailto:rahehezb@gmail.com)

در مطبوعات داخل کشور خبرهایی درباره مسائل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی منتشر می شود که می تواند ماهیت ارتجاعی و ضد ملی رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" را منعکس سازد. پاسخ ما در قبال عملکرد خائنانه محافل ارتجاعی نه برای متقاعد کردن آنها بلکه صرفا به منظور روشن کردن افکار عمومی ایران است.

## از ایران چه خبر

در مطالب زیر که به نقل از مطبوعات داخل کشور ارایه شده از جمله چنین می خوانیم:

تشدید اختلاف و تفرقه در صف جناح های حاکم ادامه دارد. برای اینکه تصویری از این اختلاف که نتیجه تضادهای درونی رژیم است، بدست دهیم گفته احمد توکلی که نماینده سرمایه داران بزرگ غارتگر است را ذکر می کنیم:

"در اجرای قانون هدفمند کردن یارانه ها همچنین به شکل کامل امنیتی به تولیدکنندگان فشار وارد آمد... مثلا یک مقام بلند پایه دولت، اعضای اتاق بازرگانی و صنایع و معادن را جمع کرد به آنها گفت که همه بسته های سیاستی ما آماده است، زندان هم آماده است! من فکر نمی کنم در تاریخ ایران چنین حرفی سابقه داشته باشد و بعد از انقلاب حتما سابقه نداشته و قبل از آن هم تا جایی که اطلاع دارم، به عوامل اقتصادی از این حرف ها نمی زدند که با تهدید زندان به همکاری و ادارشان کنند... اگر قرار است با گزرمه و وزارت اطلاعات کار اقتصادی کنیم، کار افتخارآمیزی نیست، ضمن آن که واردات بی حساب و کتاب هم آغاز شد. (احمد توکلی - سایت آفتاب 1390/1/6)

در اینجا دعوا بر سر اعمال فشار دولتی به اتاق بازرگانی و صنایع و معادن است تا با اجرای قطع یارانه ها به موسسات صنعتی و کشاورزی قیمت ها افزایش پیدا نکند. اعمال فشار دولتی، اهرمی است در دست ارگان های سرکوبگر تا تصمیمات دولت با اعمال زور اجرا شود. در شرایط بحران اجتماعی-اقتصادی دامنگیر کشور و خرابی وضع مالی و محدودیت اقتصادی ناشی از تحریم اقتصادی رژیم در قبال برنامه اتمی و حذف یارانه ها از بودجه عمومی برای تامین هزینه های جاری نظامی و اتمی رژیم، اجرای تصمیمات و قبول شرایط دولت مورد رضایت سرمایه داران بزرگ و عده ای از تولیدکنندگان کالای مونتاژ که صاحب ثروت شده و از نزدیکان حکومت می باشند، نیست. آنچه مسلم است رژیم استبداد مذهبی "ولایت فقیه" با بحران همه جانبه ای مواجه است و تشدید بحران سیاسی و بالا گرفتن اختلاف در جناح های حاکمیت اجتناب ناپذیر است. علیرغم تاکید چندین باره ولی فقیه رژیم و "تذکر و هشدار جدی به مسئولان سه قوه در خصوص طرح گله ها از یکدیگر در سطح افکار عمومی" (نقل از سایت علی خامنه ای 1390/1/1 در مشهد)، احمد توکلی یکی از چهره های اصلی اصول گرا در مصاحبه بالا عمق اختلافات جناح های درونی رژیم که به گفته رفسنجانی "جدی" است، بلافاصله پس از هشدار رهبر در معرض افکار عمومی می گذارد. او می گوید: "این گروه تمامیت